

گسترش ناتو به شرق و پیامدهای امنیتی آن^۱

مریم مرادی

چکیده

موضوع اصلی مقاله حاضر، بررسی علل گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به شرق است. ابتدا تاریخچه و ساختار این سازمان به اجمال معرفی می‌شود و سپس به فلسفه وجودی ناتو و دلایل گسترش آن اشاره خواهد شد. گرایش حوزه‌های بالکان، بالتیک، اسکاندیناوی، منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به ناتو و نیز همکاری روسیه با این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و به موازات مطالعات موردی رهیافت نظری نیز ارائه می‌شود. در خاتمه به چالش‌های ناشی از گسترش ناتو به ویژه در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

۱. این مقاله براساس گزارش کارشناسی خانم مریم مرادی با نظارت علمی آقای دکتر ابومحمد عسگرخانی در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس تنظیم شده که پیش از این مستقلاً با شماره ۶۶۱۲ در بهمن ۱۳۸۱ انتشار یافته است.

مقدمه

در اواخر جنگ جهانی دوم، نگرانی ایالات متحده آمریکا از سیاست‌های توسعه‌طلبانه اتحاد جماهیر شوروی شدت گرفت. در اول دسامبر ۱۹۴۸، مذاکراتی در واشنگتن در مورد ایجاد پیمان آتلانتیک شمالی به رهبری آمریکا صورت گرفت. در مذاکرات اولیه نمایندگان از اعضای معاهده بروکسل یعنی بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند، انگلستان، کانادا و ایالات متحده آمریکا شرکت داشتند. در ۴ آوریل ۱۹۴۹ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با عضویت این کشورها تشکیل شد. در ۱۵ مه ۱۹۴۹ هفت کشور مذکور از دانمارک، ایسلند، ایتالیا، نروژ و پرتغال دعوت کردند تا به این معاهده بپیوندند.

ناتو در سال‌های بعد اعضای تازه‌ای را به جمع خود پذیرفت. یونان و ترکیه در سال ۱۹۵۲ و آلمان در سال ۱۹۵۵ به عضویت این سازمان درآمدند. در سال ۱۹۸۲ اسپانیا و در سال ۱۹۹۹ جمهوری چک، مجارستان و لهستان به آن پیوستند و بدین ترتیب تعداد اعضای ناتو به ۱۹ کشور رسید. در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲ نیز کشورهای لتونی، استونی، لیتوانی، بلغارستان، رومانی، اسلواکی و اسلواکی به عضویت پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) درآمدند.

پیمان آتلانتیک شمالی در ۱۴ ماده تنظیم شده و هدف اصلی آن علاوه بر تضمین امنیت اروپا و آمریکا، اجرای اصول منشور سازمان ملل متحد به ویژه ماده ۵۱ آن است. ناتو با الهام از ماده ۵۱ منشور، خود را مکلف می‌داند در راستای اصول منشور یعنی برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای اقدام کند. از طرف دیگر، به موجب ماده پنج منشور آتلانتیک شمالی یا «دکترین همه در برابر یکی»^۱ هرگونه حمله به یکی از اعضای ناتو به مثابه حمله به سایر اعضا تلقی می‌شود و کشورهای عضو در صدد دفع تجاوز برمی‌آیند.^۲

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به طور عمده شامل سه نهاد اصلی است: شورای آتلانتیک شمالی، دبیرخانه و کمیته نظامی. در واقع شورا و دبیرخانه ارگان‌های بخش غیرنظامی ناتو هستند. شورای آتلانتیک شمالی رکن اصلی ناتو است و در جلسات آن

1. all against one

2. Inis Claude; "Swords into Ploughshares", Fourth Edition, New York: Random House. 1986. pp. 491-494.

تمامی کشورهای عضو شرکت دارند. تصمیم‌گیری در آن به اتفاق آراء است و هر کشور فقط یک حق رأی دارد. این شورا در دو سطح تشکیل جلسه می‌دهد. سطح نخست، موسوم به شورای وزیران، و سطح دوم موسوم به شورای نمایندگان دائمی است. هریک از دولت‌های عضو، در این شورا یک هیأت نمایندگی در مقر ناتو در بروکسل دارد. صلاحیت شورای وزیران رسیدگی به مسائل سیاسی، بررسی سیاست‌های بین‌المللی و تعیین خط‌مشی‌های کلی سازمان است. شورای آتلانتیک شمالی گذشته از شورای وزیران و شورای نمایندگان دائمی، از تعدادی کمیته تشکیل شده است که مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره را مورد مطالعه قرار می‌دهند.^۱

پایان جنگ سرد بسیاری از قواعد، هنجارها و رویه‌های ناتو را در راستای گسترش این سازمان تغییر داده است. این نهاد امنیتی با حفظ اصول سازمانی، قواعد و هنجارهای جدیدی برای گسترش خود تعریف کرده است. در واقع ناتو برای کسب آمادگی و مقابله با چالش‌های قرن بیست و یکم گسترش می‌یابد. با فروپاشی نظام دوقطبی، چگونگی ثبات نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم به عنوان پرسش اصلی روابط بین‌الملل مطرح شد. در پاسخ به این پرسش، گروهی به بی‌ثباتی نظام و گروهی دیگر به ثبات مبتنی بر سیطره امریکا توجه کردند؛ سومین گروه نیز آینده ثبات نظام بین‌الملل را در پرتو هماهنگی قدرتی دانستند که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به عنوان محور اصلی در چارچوب شورای امنیت عهده‌دار آن خواهد بود. بدین ترتیب ناتو برخلاف دوران جنگ سرد که ماهیتی منفعلانه و منطقه‌ای داشت حالتی فعال، پویا و فرامنطقه‌ای به خود می‌گیرد و فعالیت‌های آن رسماً بر نمایش قدرت، مدیریت بحران، عدم تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و مقابله با تروریسم، مسائل زیست محیطی و ... متمرکز می‌شود.^۲

1. T. Walter Wallbank, et al. *Civilization Past and Present*, Chicago: Scott, Foreman and Company, 1962, pp. 751-755.

2. Roberts McNamara: *Out of the Cold*, New York: Simon and Schuster, 1989, pp. 171-179.

با مفهوم استراتژیک جدید^۱، کار ویژه تازه‌ای برای ناتو مطرح شد و ظهور بحران‌های جدید در اروپای شرقی بحث مدیریت بحران را در سرلوحه اهداف ناتو قرار داد. مأموریت حفاظت صلح در بوسنی نمونه‌ای از مأموریت‌های جدید این سازمان قلمداد می‌شود. در این مأموریت امریکا نقش فرماندهی نیروهای ناتو را به عهده داشت. اجلاس سران ناتو در بروکسل در سال ۱۹۹۴ با برنامه شفاف‌سازی روند طراحی دفاع ملی، فرایند بودجه‌ریزی، دموکراتیک‌سازی جامعه و دخالت نکردن نظامیان در سیاست برگزار شد.^۲ در اجلاس سران ناتو که در سال ۱۹۹۷ در مادرید برگزار شد بار دیگر تأکید بر مفهوم استراتژیک جدید مورد موافقت اعضا قرار گرفت. در سال ۱۹۹۹ سران ناتو در پنجاهمین سالگرد تشکیل این سازمان مفهوم استراتژیک جدید را تصویب کردند و در تشریح اهداف و وظایف ناتو علاوه بر مسائل امنیتی، بازدارندگی و دفاع، کنترل تسلیحات، اختلافات قومی، حقوق بشر، دموکراسی و مقابله با تروریسم، امکان کنترل بحران‌های شرق اروپا را مورد توجه قرار دادند.^۳ تحولات جدید در این سازمان شامل الحاق سه کشور جدید (لهستان، جمهوری چک و مجارستان) به ناتو، برقراری روابط استراتژیک با روسیه و اوکراین، ایجاد شورای مشترک دائمی روسیه - ناتو، ایجاد شورای همکاری اروپا - آتلانتیک، گسترش طرح مشارکت برای صلح و تعمیق و گسترش گفتگوهای مدیران‌های است.

دلایل گسترش ناتو به شرق

آن چه مسلم است امریکا به عنوان یک قدرت بزرگ در تغییر ساختار نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم نقش بسزایی خواهد داشت، همان گونه که در شکل‌گیری، تداوم و

۱. در مورد مفهوم استراتژیک جدید ر.ک. به: اعلامیه مطبوعاتی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی مورخ ۲۳ آوریل

۱۹۹۹ تحت عنوان: *The Alliances Strategic Concept*, Nato Press Release

۲. "Nato Summit Declaration", *Sipri Peace, Security and Conflict Prevention*, Oxford: Oxford University Press, 1998.

۳. ر.ک. به: اعلامیه سران ناتو در پراگ به آدرس اینترنتی زیر:

www. Nato. Int/ doeu/ handbook 2001.

تغییرات رسمی و غیررسمی آن از سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۰۰ نقش سرکردگی را ایفا کرده است.

به دنبال فروپاشی نظام دو قطبی، امریکا با توجه به توان نظامی و اقتصادی خود و در پرتو نظم نو جهانی و استقرار نظام تک قطبی، در رأس هرم قدرت قرار گرفته است. دوران پس از جنگ سرد، موقعیت مناسب را در اختیار امریکا برای حضور فعال در عرصه بین‌المللی قرار داد و ناتو به عنوان یک رژیم امنیتی قوی و تکاملی از این حکم مستثنی نیست. با توجه به نقش امریکا در شکل‌گیری و تداوم این نهاد امنیتی می‌توان یکی از دلایل گسترش پیمان آتلانتیک شمالی را با تکیه بر نظریه «ثبات مبتنی بر سیطره» بیان کرد.^۱

در این نظریه ثبات و ایستایی «stability» برای حفظ وضع موجود «status quo» است. این نظریه را امریکاییان برای حفظ قدرت و توجیه منافع دولت خود بیان می‌کنند. این نظریه اولین بار توسط چارلز کیندلبرگر امریکایی مطرح شد. از نظر کیندلبرگر، دنیا به یک و تنها یک ثبات‌دهنده نیاز دارد. از نظر او ثبات‌دهنده باید دارای شرایطی باشد که بتواند مواد خام را کنترل کند، بر منابع سرمایه استیلا داشته باشد و تسلط او بر بازار تثبیت شده باشد. اما از نظر کوهین، هژمان یا قدرتی که بر نظام بین‌المللی استیلا دارد باید قادر^۲ و مایل^۳ باشد که دنیا را رهبری کند و هرگاه ثبات نظام تهدید شد قادر و مایل به دفع آن تهدید باشد.

ثبات‌دهنده باید بتواند رژیم‌های بین‌المللی را ایجاد و از آنها حمایت کند تا متعاقباً رژیم‌ها هم ثبات را حفظ کنند. این رژیم‌ها در نهایت به صورت منافع یا خیرهای عمومی و همگانی تلقی می‌شوند. گرچه این منافع یا خیرها را در ابتدا دولت سیطره‌جو برای نفع خود و اتباعش ایجاد می‌کند ولی سرانجام با گسترش آن نفع همگانی از رژیم‌ها حاصل می‌شود.

۱. برای آشنایی با نظریه ثبات مبتنی بر سیطره رک. به:

Abu Mohammad Asgarkhani: "International Human Rights Regime: A Theoretical Approach to Regime Formation and Persistence", in *Islamic Views on Human Rights*, Tehran: Al - hoda, 2001.

2. able

3. willing

نظام برتون وودز،^۱ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، پس از جنگ جهانی دوم در دوره سیطره امریکا تأسیس شده‌اند و هنوز هم جامعه جهانی از آنها استفاده می‌کند. این نویسندگان معتقدند که رژیم‌های بین‌المللی در درجه اول برای حفظ منافع دولت امریکا، شرکت‌ها و اتباع امریکایی است ولی با عملکرد این رژیم‌ها، عرف و قواعدی در دنیا ایجاد می‌شود که توقعات سایر بازیگران را نیز برآورده می‌سازد و ثبات در دنیا برقرار می‌گردد. نوشته‌های موجود در زمینه این نظریه حاکی از آن است که سایر دولت‌ها از این منافع یا خیرهای همگانی بهره‌مند می‌شوند.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیز در ابتدا به عنوان یک رژیم امنیتی برای حفظ منافع دولت امریکا در مقابل تهاجم شوروی شکل گرفت ولی با عملکرد این رژیم و شکل‌گیری قواعد و عرف و گسترش کارکردهای آن به شرق، به صورت یک خیر همگانی باعث برقراری ثبات می‌شود.^۲

ترومن در فوریه ۱۹۵۰ نوشت: امروزه وظیفه امریکاییان اساساً همان وظیفه‌ای است که در دوران جرج واشنگتن داشته‌اند. ما نیز باید کاری کنیم که دموکراسی ترویج شود. باید آن را از دست دشمنان در امان نگاه داریم. وظیفه امروز ما این است که به سایرین کمک کنیم تا نوع حکومت خود را تعیین کنند و سطح زندگی خود را بالا ببرند. جرج بوش در مارس ۱۹۹۰ نوشت: ما به عنوان قوی‌ترین دموکراسی دنیا رهبر اجتناب‌ناپذیر دنیا هستیم. اتحاد دموکراسی‌ها، دنیا را به هم مرتبط کرده است و ما مسئولیت تضمین ثبات و تعادل را در دنیا بر عهده داریم.^۳ گسترش دموکراسی از مهم‌ترین عوامل تضمین‌کننده صلح منطقه‌ای است. این اصل در ناتو بسیار مورد توجه است زیرا دموکراسی‌ها با یکدیگر به جنگ برنمی‌خیزند و مبادرت به عملیات تروریستی نمی‌کنند.^۴

1. Bertton Woods System

2. Asgarkhani, *op. cit.*

۳. برای اطلاعات بیشتر در خصوص رژیم‌های امنیتی و رژیم‌های بین‌المللی ر.ک. به: ابو محمد عسگر خانی، "نظریه

رژیم‌های بین‌المللی"، *مجله حقوقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، پاییز ۱۳۸۱.

4. Charles, Kegley et al., *American Foreign Policy*, New York: St. Martins Press, 1996, p. 123.

ناتو به عنوان یک نهاد چند منظوره از ابتدای تأسیس با مدیریت و هدایت امریکا و برای تأمین منافع آن کشور شکل گرفت و تحت کنترل و با سرمایه گذاری این کشور تداوم یافته و همواره ابزار مناسبی برای اعمال سیاست‌های امریکا در قاره اروپا تلقی شده است. این نهاد، سیاست کشورهای اروپایی را تحت تأثیر قرار داده و از ظهور قدرت‌های سلطه‌جو در اروپا جلوگیری کرده است.

یکی از نظریه‌هایی که در تبیین گسترش ناتو به شرق کارایی فراوانی دارد، نظریه استیلا یا هژمونی است. معمولاً میزان سهم قدرت هژمان از منابع قدرت جهانی به ویژه توانایی اقتصادی و نظامی آن، به اندازه‌ای زیاد است که ایجاد تنش در نظام و هرگونه مخالفت را پرهزینه می‌کند.^۱

پس از دهه ۱۹۹۰ جهان شاهد سیاست یک جانبه‌گرایی امریکا در نظام بین‌المللی است که گسترش ناتو را می‌توان از این دریچه بررسی کرد. ناتو مهم‌ترین نهادی است که قادر به تثبیت و گسترش استیلای امریکاست. بحران بوسنی و کوزوو اوج نمایش قدرت امریکا و تثبیت هژمونی آن بر اروپا بود. این بحران که کشورهای اروپایی از حل آن عاجز مانده بودند با مداخله امریکا مهار شد. در این بحران کشورهای اروپایی به ناتوانی خود از رسیدن به اجماع درباره سیاست امنیتی مشترک و میزان وابستگی امنیتی خود به امریکا پی بردند. دخالت‌های امریکا همواره از طریق ناتو تضمین می‌شود. در بحران کوزوو در ۱۹۹۸ در حالی که ۷۵ درصد عملیات نظامی را امریکا به عهده داشت سهم اروپا تنها ۲۵ درصد بود. در این مورد نیز به دلیل ضعف اروپاییان در به کارگیری نیروهای نظامی، امریکا نقش اساسی را به عهده گرفت.

امریکا برای ایجاد نظم جدید در جهان و به ویژه در اروپا، به ناتو متکی است. ناتو تنها نهادی است که دخالت و نفوذ امریکا را در اروپا و اروپای شرقی مشروع جلوه می‌دهد و

۱. مریم مرادی، «استمرار و تغییر در سیاست خارجی امریکا»، مجله راهبردی، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۰، صص ۳۰۳ و

کیسینجر آن را جایزه پیروزی در جنگ سرد می‌داند. امریکا در دهه ۱۹۹۰ فرایند تحول ناتو را برای تبدیل آن به ابزاری کارآمد برای هژمونی خود، مدیریت کرده است.^۱ این تحول در چند عرصه صورت گرفته است:

۱. تبدیل ناتو به سازمانی سیاسی تر که هدف آن ایجاد ثبات و مدیریت بحران در کل قاره اروپاست. نقطه اوج این تحول در تدوین مفهوم استراتژیک جدید در سال ۱۹۹۱ قابل مشاهده است.

۲. مشارکت در صلح و ثبات منطقه. از سال ۱۹۹۵ محور اصلی فعالیت‌های ناتو ایجاد ثبات در منطقه بحران زده بالکان بوده است.

۳. پیدایی کارکردهای جدید از جمله اقتصاد سیاسی، مبارزه با مواد مخدر و مقابله با تروریسم.

۴. گسترش به شرق (بالکان، بالتیک و اسکاندیناوی).

به طور کلی پایان جنگ سرد، دو دیدگاه عمده را در مورد نقش امریکا در ناتو مطرح کرد. نخست، ایجاد یک سیستم امنیتی اروپایی - آتلانتیکی شامل روسیه که در آن اروپا نقش مستقل تری را در چارچوب هویت امنیتی - دفاعی خود (ESDI) بر عهده دارد و در صورت پذیرش اعضای جدید از اروپای شرقی چنین نقشی را ایفا می‌کند. این دیدگاه به محدود شدن نقش امریکا در ناتو معتقد است. دیدگاه دوم، خواهان تحکیم هژمونی امریکا در غرب و توسعه به شرق است تا روسیه را کاملاً مهار کند و با افزایش نقش و کارکردهای خود از جمله حقوق بشر و دموکراسی، کشورهای حوزه بالکان و بالتیک را در برگیرد.^۲

برگزاری اجلاس سران ناتو در سال ۱۹۹۱ در رُم نقطه عطفی برای تدوین رهیافت‌های جدید امنیتی این سازمان بود. در این اجلاس به حفظ توان دفاع جمعی و مدیریت بحران توجه خاص شد. اجلاس، بیانیه‌ای به نام صلح و همکاری منتشر کرد که بر افزایش همکاری

1. Joseph S. Nye; "Bound to Lead: The Changing Nature of American Power", New York: Basic Books, 1990.

2. Trevor Taylor, "Transatlanticism Versus Regional Consolidation", in *Security Strategy and the Global Economics of Defence Production*, David Haylund and S. Neil Macfarlane (eds.), Moutrea and Kingston, MC Gill - Queen's University Press, 1999.

با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی تأکید داشت. ناتو در حاشیه این اجلاس اقدام به تشکیل نهادی به نام شورای همکاری آتلانتیک شمالی کرد که مشتمل بر کشورهای عضو ناتو، شش کشور اروپای شرقی و سه کشور بالتیک بود. در سال ۱۹۹۲ کشورهای شوروی پیشین نیز به این شورا پیوستند. وظیفه این شورا ارائه خدمات در عرصه‌های نظامی، سیاسی، بودجه‌بندی و دفاعی است.

گسترش ناتو منافع تجاری گسترده‌ای برای اعضا دارد. این در حالی است که بازار تسلیحات کشورهای شرق اروپا و حتی بازارهای غیردفاعی آن جاذبه‌های زیادی برای امریکا دارد. گسترش ناتو می‌تواند فرصت‌های استثنایی را در اختیار امریکا به جای کشورهای اروپایی قرار دهد. امریکا برای جلوگیری از گسترش نفوذ اروپا، بحث گسترش ناتو را مطرح می‌کند. بوش قبل از اجلاس ۱۹۹۲ ماستریخت اظهار داشت: بیم آن می‌رود که متحدین دوران جنگ سرد به دشمنان اقتصادی تبدیل شوند. بنابراین حضور دائمی نظامی امریکا در اروپا در قالب ناتو علاوه بر ابعاد امنیتی دارای ابعاد اقتصادی نیز هست.^۱

موارد گسترش ناتو به شرق

۱. منطقه قفقاز و آسیای مرکزی

در سال ۱۹۹۲ کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به شورای همکاری آتلانتیک شمالی پیوستند. حضور ناتو در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی آشکار است. جمهوری آذربایجان در میان کشورهای قفقاز تمایل شدیدی برای پیوستن به ناتو از خود نشان می‌دهد و تلاش بیش‌تری برای اجرای تعهداتش در برابر ناتو به عمل می‌آورد. وزارت دفاع جمهوری آذربایجان اعلام کرده است نمایندگان نیروهای مسلح این کشور در چندین تمرین نظامی سازمان ناتو شرکت کرده‌اند. این برنامه‌ها در چارچوب «برنامه مشارکت برای صلح ناتو»^۲ در سه مرحله در بروکسل، رومانی و سوئیس برگزار شد. همچنین وزارت دفاع این کشور

۱. برای مطالعه در خصوص (European Defense and Security Identity) ESDI و روابط آن با ناتو

ر.ک. به : Nato Handbook, chapter 4 at www.Nato.int/docu/handbook 2002.

2. Partnership for Peace (PfP)

دوره‌های آموزشی نظارت بر تسلیحات را در آلمان برگزار کرد. نمایندگان این جمهوری در برنامه آموزش‌های تخصصی پاکسازی مین که به هزینه آمریکا و توسط ۷۰ متخصص این کشور در گرجستان برگزار شد شرکت داشتند.

بنا به ادعای وزیر دفاع آذربایجان، سه سال است که آموزش‌های نظامی نیروهای مسلح این کشور مطابق استانداردهای ناتو انجام می‌شود. این جمهوری تازه استقلال یافته در برنامه مشارکت برای صلح ناتو حضور فعال دارد و در ضمن واحدهای نمونه آن در گردان صلح آسیای مرکزی حضور دارند. آذربایجان، نماینده خود را در ناتو مستقر کرده است.

در ارمنستان، ناتو در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح سمینارهای متعددی را تحت عنوان برنامه‌ریزی دفاع در هنگام بلایای طبیعی در شهر زانگازور برگزار کرده است. در گرجستان نیز در سال ۲۰۰۱ میلادی در منطقه باگیو^۱ رزمایش بزرگ ناتو برگزار شد که حدود ۳۰ کشتی، ۲۰ هواپیما و یگان‌هایی از کشورهای آمریکا، ترکیه، آلمان، اسپانیا، ایتالیا، سوئد و یونان در آن شرکت داشتند. در این سال همایش مهمی تحت عنوان «قفقاز امروز: چشم‌اندازهای همکاری آتی با ناتو» در تفلیس برگزار شد. گرجستان اعلام کرده است که بدون توجه به اعتراض مسکو، برنامه الحاق به ناتو را برای سال ۲۰۰۵ پیگیری خواهد کرد. این جمهوری از سال ۱۹۹۴ عضو برنامه مشارکت برای صلح ناتو بوده و به طور مستمر در تمرین‌های نظامی این سازمان مشارکت داشته است. قزاقستان هم برای مقابله با خطر افراط‌گرایی اسلامی در چارچوب برنامه مشارکت برای صلح ناتو، رزمایش نظامی تحت عنوان CENTRASBAT 2000 را برگزار کرد که در آن بیش از ۲۰۰۰ نیروی نظامی در عملیات حفظ صلح و عملیات بشردوستانه از قبیل کنترل آوارگان و برنامه‌های امنیتی شرکت داشتند.^۲ در قرقیزستان همایش‌های مختلفی برگزار شد که در آن‌ها درباره تروریسم بین‌الملل، قاچاق سلاح، مواد مخدر و اوضاع داخلی کشورهای منطقه تبادل نظر شد.

۱. باگیو منطقه‌ای است که پایگاه نظامی روسیه در آن قرار دارد. این منطقه به دلیل داشتن فرودگاه، نزدیکی به دریا و دیگر امکانات جنبی به زعم بسیاری از کارشناسان بهترین و شاید تنها مکان مناسب برای برگزاری چنین تمریناتی در گرجستان است.

2. Taylor, *op. cit.*

باید این نکته را در نظر داشت که از سال ۲۰۰۰ میلادی کنگره امریکا پیش نویس اعطای کمک برای آموزش دوره‌های جدید نظامی به کشورهای منطقه قفقاز و آسیای مرکزی را تصویب کرده است. بنا به اعلام وزارت خارجه امریکا، کنگره این کشور ۴۵/۵ میلیون دلار برای آموزش دوره‌های جدید نظامی به منطقه قفقاز اختصاص داده است.

دولت سوئیس که از سال ۱۹۹۶ میلادی با برنامه صلح ناتو همکاری می‌کند، ۵۰ درصد هزینه یک میلیون دلاری برگزاری دوره‌های آموزشی در این منطقه را تأمین می‌کند. برنامه همکاری برای صلح ناتو از سال ۱۹۹۴ میلادی آغاز شده است و در حال حاضر ۱۹ کشور عضو و ۲۷ کشور غیر عضو در آن مشارکت دارند.

با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک و منابع انرژی آسیای میانه و قفقاز، ناتو برنامه‌ای برای گسترش به سمت شرق با هدف زیر نفوذ در آوردن این منطقه طراحی کرده است. در جریان اجلاس پراگ ۲۰۰۲، پال امس^۱ طی مقاله‌ای نوشت که ناتو آسیای مرکزی را می‌خواهد. بنا به گفته وی رهبران ناتو در صددند با دولت‌های آسیای مرکزی که نقش مهمی در جنگ با حکومت افغانستان داشتند، ارتباط برقرار کنند.^۲

ناتو مایل است با رهبری جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی که در شمال کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان قرار دارند، ارتباط نزدیک‌تری برقرار کند تا آنها به عنوان متحدان بالقوه این سازمان در مبارزه با تروریسم شرکت کنند. رهبران بیش از ۲۰ کشور غیر عضو ناتو از ایرلند تا ازبکستان با رهبران ۱۹ عضو ناتو در پراگ نشست داشته و پیرامون مبارزه با تروریسم تبادل نظر کرده‌اند.

۲. بالکان، بالتیک و اسکاندیناوی

سه کشور مجارستان، لهستان و جمهوری چک در سال ۱۹۹۹، به طور رسمی به عنوان اعضای جدید به ناتو پیوستند و تعداد اعضای سازمان را به ۱۹ کشور رساندند. در اجلاس

1. Paul Ames

۲. برای اطلاع از دامنه فعالیت‌های ناتو در آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا، می‌توانید به سخنرانی دیرکل ناتو در سوئد ر.ک.ب: www.Nato.Int/docu/speech/2002 & www.Nato.Int/docu/review/1996.

۱۹۹۱ سران ناتو تصویب شد که در اجلاس ۲۰۰۲ مسأله گسترش سازمان و عضویت کاندیداهای جدید بررسی شود. ناتو برنامه‌ای ابتکاری تحت عنوان طرح عضویت تصویب کرد و ۹ کشور را در این گروه قرار داد. این کشورها عبارتند از لیتوانی، لتونی، استونی، رومانی، بلغارستان، اسلواکی، اسلونی، آلبانی و مقدونیه. قرار شد این کشورها ضمن تأمین استانداردها، آمادگی خود را برای عضویت در ناتو اعلام کنند. کشورهای مذکور اصلاحات مورد نظر را انجام دادند و در سال ۲۰۰۰ اعلام آمادگی کردند. معمولاً کشورهایی نامزد عضویت می‌شوند که کم‌ترین بی‌ثباتی را داشته باشند و اگر کشوری با بی‌ثباتی، بحران و ناآرامی روبه‌رو باشد در اولویت پذیرش قرار نمی‌گیرد.

با پذیرش عضویت سه کشور مجارستان، لهستان و جمهوری چک، جوزف رالستون فرمانده امریکایی عملیات نظامی ناتو در اروپا به وزیر و فرمانده نیروهای دفاعی مجارستان اعلام کرد: مجارستان باید برای ارتقای کیفی نیروهای نظامی خود به سطح استانداردهای ناتو و انجام اصلاحات در این نیروها اقدامات لازم را معمول دارد، از تعداد پرسنل نظامی خود بکاهد و برای نوسازی ارتش اقدام کند.

مجارستان که به همراه لهستان و جمهوری چک به عضویت ناتو درآمده، متعهد شده است در ساختار نیروی نظامی خود تغییرات اساسی ایجاد کند و آن را به سطح استانداردهای ناتو برساند. در همین راستا، این کشور تعداد پرسنل نظامی خود را از ۱۶۰ هزار نفر در ده سال گذشته به ۶ هزار نفر تقلیل داده است.

ناتو فعالیت و گسترش خود را در منطقه بالتیک آغاز کرده است. رئیس جمهور لتونی در یک سخنرانی در کنفرانس امنیت و همکاری در منطقه دریای بالتیک که توسط سفارت امریکا و مؤسسه مطالعات صلح استکهلم ترتیب یافته بود، از ناتو خواست مقدمات لازم را برای پذیرش کشورهایی که تا سال ۲۰۰۲ شرایط عضویت را احراز می‌کنند فراهم آورد. وی افزود: لتونی آماده پذیرش مسئولیت برای تضمین ثبات بلندمدت در اروپاست. این کشور در جریان جنگ کوزوو اطلاعات مهمی در زمینه قاچاق سازمان یافته و غیرقانونی سلاح در اختیار ناتو قرار داد. ناتو نیز تمایل داشت تا رومانی به عنوان یک نامزد قوی

عضویت در ناتو مطرح باشد. بدین منظور رزمایش‌های مشترکی تحت عنوان Cooperative Best Effort 2000 در این کشور برگزار شد. لتونی هزینه‌های دفاعی خود را ۱/۳ درصد افزایش داده است.

اسلواکی در جریان جنگ کوزوو حریم هوایی خود را در اختیار ناتو قرار داد. ارتش اسلواکی طرح آماده‌سازی تحت عنوان (Prename) را به اجرا گذاشته است. این طرح کلیه وظایف اساسی از جمله مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و همچنین زمینه‌های قانونی را دربر می‌گیرد. در همین راستا بررسی اوضاع داخلی اسلواکی، وضعیت اقلیت‌ها، اصلاحات در ساختار اداری و قوانین مربوط به مواد مخدر از جمله مسائل مورد توجه ناتو خواهد بود.

اکراین و لیتوانی با امضای موافقت‌نامه همکاری نظامی، گامی در راستای نیل به استانداردهای نظامی ناتو برداشته‌اند. تنظیم و تبادل ارتباطات، کنترل غیرنظامی بر نیروهای نظامی، به اجرا گذاشتن استانداردهای غربی، تضمین قابلیت انطباق نیروی نظامی این کشورها با نیروی نظامی ناتو و مشارکت در مأموریت‌های بین‌المللی از اهداف موافقتنامه مزبور است. اکراین تاکنون رسماً خواستار عضویت در ناتو نشده است، با این حال در برنامه مشارکت برای صلح ناتو عضویت دارد و می‌کوشد تا سال ۲۰۰۵ نیروهای خود را مطابق استانداردهای ناتو اصلاح کند.

استونی نیز معتقد است ناتو تضمین‌کننده صلح در اروپاست و توسعه آن به منزله گسترش دامنه ثبات و امنیت است. رئیس‌جمهور این کشور معتقد است توسعه این اتحادیه باعث خواهد شد که یک دهه پس از برچیده شدن پرده آهنین، تقسیم اروپا از میان برود و منطقه بهره‌مند از ثبات و دموکراسی به سمت شرق و جنوب نیز گسترش یابد. بدین ترتیب هر سه کشور عضو بالتیک در مرحله دوم گسترش ناتو، در نشست سران در پراگ به آن ملحق شدند.

به طور کلی شاهد گسترش ناتو در منطقه بالکان و یوگسلاوی سابق بوده‌ایم. به دنبال حضور ناتو در قالب عملیات بشردوستانه، در حال حاضر ۳۶ هزار نیروی نظامی ناتو و ۷ هزار نیرو از سایر کشورها از جمله روسیه در چارچوب نیروهای KFOR به موجب قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت برای انجام عملیات حفظ صلح سازمان ملل در کوزوو حضور دارند.

روابط یونان و ناتو در دو دهه اخیر فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. قبل از به قدرت رسیدن حزب سوسیالیست در یونان در سال ۱۹۸۱ این کشور تمایلی به ایجاد پایگاه‌های نظامی ناتو در خاک خود نداشت اما در سال‌های اخیر آتن در صدد هماهنگی نظامی با ناتو برآمده است.

یونان رابطه خود با ترکیه و مسأله تنش‌زدایی میان دو کشور را به ناتو واگذار کرده است. پس از شکست سازمان ملل برای تنش‌زدایی در دریای اژه و حل نشدن مسأله قبرس، آتن اکنون در صدد بهبود روابط خود با ترکیه در چارچوب ناتو است. در سال‌های اخیر روابط یونان و ناتو رو به بهبودی گذارده است تا جایی که ناتو در جنگ یوگسلاوی، موقعیت ویژه یونان در منطقه بالکان را تأیید کرد و درخواست دولت آن کشور را مبنی بر عدم مشارکت در بمباران یوگسلاوی پذیرفت. در ضمن، رزمایش مشترکی در سال ۲۰۰۰ در آب‌های غرب دریای سیاه انجام شد. در این رزمایش ۲ فروند جنگنده اف-۱۶ نیروهای هوایی ترکیه شرکت داشتند. همچنین تمرین‌های نظامی تحت عنوان Adventure Exchange 2000 در شمال یونان توسط نیروهای ناتو برگزار شد.

گسترش ناتو در منطقه اسکاندیناوی نیز اهمیت دارد. عضویت احتمالی فنلاند در ناتو باعث گسترش حوزه نفوذ ناتو در آن مناطق خواهد شد. همچنین رزمایش‌های زیردریایی ناتو موسوم به Cooperative Posed Ion در هلند که سوئد نیز نقش فعالی در آن داشت و با هدف توسعه رویه امنیتی مشترک بین ناتو و شرکای آن برای کاهش خطرات ناشی از تصادف زیردریایی‌ها صورت گرفت، باید با اهمیت تلقی شود. رویه‌های امنیتی در مورد

زیردریایی‌های ناتو و تمرین نجات زیردریایی‌ها تحت نام Sorbet Royal 2000 در این منطقه مورد توجه خاص ناتو قرار دارد.^۱

۳. همکاری روسیه با ناتو

از سال ۱۹۹۱ ناتو همکاری و مشارکت با روسیه را آغاز کرده است. این همکاری در سال ۱۹۹۴ با پیوستن روسیه به برنامه مشارکت برای صلح گسترش یافت. روسیه در اجرای صلح در بوسنی با ناتو به همکاری پرداخت که این اولین نمونه همکاری دو طرف در عملیات نظامی بین‌المللی محسوب می‌شد. در سال ۱۹۹۷ دو طرف با امضای موافقتنامه ایجاد روابط دوجانبه همکاری و امنیتی ناتو - روسیه این همکاری را نهادینه کردند.^۲

یکی از دلایل اصلی تشکیل شورای همکاری اروپا - آتلانتیک، کاستن از حساسیت روسیه نسبت به فعالیت‌های ناتو به ویژه گسترش آن به شرق بوده است. ناتو تلاش کرده است با درگیر کردن روسیه در نهادهای جدید، حساسیت‌های آن کشور را کاهش دهد و گسترش ناتو را به صورت روندی بی‌تنش پیش برد. همکاری گسترده روسیه و ناتو باعث شد که متعاقب سفر لرد رابرتسون دبیر کل ناتو به مسکو در سال ۲۰۰۱ دفتر اطلاعات ناتو در مسکو تأسیس شود. همکاری‌های روسیه و ناتو در عرصه‌های غیرنظامی نیز توسعه یافته است. در سال ۱۹۹۶ یادداشت تفاهمی بین ناتو و وزیر دفاع غیرنظامی روسیه در مورد آمادگی در برابر فجایع و بلایا و طراحی مسائل اضطراری به امضا رسید و در سال ۱۹۹۸ به پیشنهاد روسیه مرکز هماهنگی پاسخ به فجایع و بلایای اروپا - آتلانتیک ایجاد گردید.

روسیه با توجه به بی‌ثباتی داخلی خود، تمایل زیادی برای پیوستن به ناتو دارد اما گسترش ناتو محیط امنیتی خارجی این کشور را پیچیده‌تر می‌کند. حساسیت روسیه نسبت به حوزه‌های دریای بالتیک، دریای سیاه و ماورای قفقاز با توجه به ملاحظات استراتژیک سنتی روسیه امری طبیعی است.

1. www.the.australian.news.com.

2. Calleo, David, *Beyond American Hegemony*, New York: Basic Books, 1986 & www.Natoint/docu/handbook 2001.

دکترین نظامی روسیه و روش جدیدی که این کشور در روابط بین‌الملل در پیش گرفته، باعث شده است تا مسکو خواهان ایفای نقش بیش‌تری در امنیت منطقه باشد. به همین دلیل گرچه روسیه زمانی مخالف حضور ناتو در بالکان بود ولی پس از عملی شدن این حضور، در مرحله بعد مخالفت چندانی با حضور ناتو در بالتیک نکرد. این کشور در کلیه اجلاس‌های ناتو شرکت می‌کند و تمایل به عضویت خود را در این پیمان اعلام کرده است. امریکا نیز نسبت به عضویت روسیه در ناتو چندان بی‌میل نیست زیرا دو کشور در یوگسلاوی با هم به توافق رسیدند؛ در مسأله چچن امریکا امتیازاتی به روس‌ها داد؛ و در مسأله افغانستان و دریای خزر نیز دو طرف با هم به توافق رسیدند. در حقیقت روسیه پذیرفته است که دیگر قادر به ایفای نقش جهانی نخواهد بود، اما خواهان شناخته شدن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است. به همین دلیل در مورد رژیم حقوقی دریای خزر نیز امریکا اختیاراتی را به روس‌ها واگذار کرده است.

روسیه با توجه به منافعی که در همکاری با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دارد امنیت را حداقل به صورت صوری و ظاهری نهادینه می‌کند. در ماه مه ۲۰۰۲ ناتو، روابط جدید خود با روسیه را با تشکیل شورای مشورتی ناتو - روسیه نهادینه کرد. به موجب توافق به دست آمده، روسیه در نشست‌های ناتو شرکت می‌کند و در واقع به عنوان همکار^۱ مشارکت فعال دارد ولی حق وتو ندارد. وجود حق وتو در ساختار تصمیم‌گیری ناتو از مسائل مهم در روابط ناتو - روسیه است، زیرا ناتو انعطاف قانونی لازم را برای تصمیم‌گیری بدون اجماع اعضا ندارد. اما روسیه می‌تواند مسائل مورد علاقه خود را در ناتو مطرح کند. در کنفرانس پراگ نیز ایگور ایوانف وزیر خارجه روسیه شرکت داشت.^۲

1. partner

۲. گفتنی است که دولت یوگسلاوی ضمن رد ادعاهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در زمان میلوسویچ، اسنادی را راجع به جرائم ناتو در یوگسلاوی منتشر کرد که کاملاً با ادعاهای ناتو منافات دارد. به عنوان مثال ر.ک. به: منبع دوجلدی زیر که در فاصله ۲۴ مارس تا ۲۴ آوریل ۱۹۹۹ و ۲۵ آوریل تا ۱۰ آوریل ۱۹۹۹ در بلگراد انتشار یافت: *Nato Crimes in Jugoslavia, Documentary Evidence, 2 vols., Belgrad: 1999.*

پیامدهای گسترش ناتو در محیط امنیتی ایران

گسترش ناتو به شرق، جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌هایی جدی مواجه خواهد کرد. این چالش‌ها هم ابعاد نظامی و هم ابعاد غیرنظامی خواهد داشت زیرا ناتو یک نهاد همگرایی نظامی است که ضرورتاً همگرایی سیاسی را در پی خواهد داشت. این همگرایی سیاسی مطابق نظریه‌های وابستگی متقابل از یک موضوع به موضوع دیگر سرایت خواهد کرد^۱ یعنی همکاری‌های نظامی و سیاسی منجر به آن خواهد شد که همکاری تجاری و اقتصادی نیز پا بگیرد.

همکاری‌های روسیه با ناتو در زمینه‌های نظامی - سیاسی باعث خواهد شد تا روسیه به تدریج وارد سازمان تجارت جهانی شود و در نتیجه ماهیت تهدیدها نسبت به جمهوری اسلامی ابعاد غیرنظامی و سیاسی هم به خود بگیرد، چرا که همسایگان ما قراردادهای پیمان‌هایی را با کشورهای عضو ناتو منعقد خواهند کرد.

دامنه تهدیدها علاوه بر شمال، شرق کشور ما را نیز در بر گرفته است. امروزه نیروهای کشورهای عضو ناتو در افغانستان حضور دارند. در جنوب، حضور گسترده و مستمر نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس و اختلافات مرزی ایران با امارات بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی امنیت ملی ما را تهدید می‌کند. در مرزهای غربی، دو کشور عراق و ترکیه همچنان مایه نگرانی دائمی محسوب می‌شوند و با حمله آمریکا و انگلیس به عراق، جناح غیر اروپایی تر ناتو در غرب کشور ما مستقر خواهد شد. به طور مشخص می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران اکنون در چند جبهه با سازمان آتلانتیک شمالی به صورت دو فاکتو^۲ همسایه شده است.

همچنین در خصوص نقش آمریکا، روسیه، آلمان، فرانسه، انگلستان، صربستان، کرواسی و اسلاوا، و مقدونیه در یوگسلاوی کتاب جامعی توسط ۱۱ نویسنده نوشته شده است که مطالبی از آن کتاب در مقاله حاضر در ارتباط با یوگسلاوی مورد استفاده قرار گرفته است ر.ک. به:

Alen Danchev and Thomas Halverson; eds., "International Perspectives on the Yugoslav Conflict", Oxford: ST Antonys College Series, 1996.

1. spill-over
2. de facto

با توجه به وجود برخی اختلافات بین ایران و کشورهای همسایه زمینه برای بحران‌سازی ناتو فراهم است. در چنین شرایطی ناتو می‌تواند با استناد به منشور خود و منشور سازمان ملل برای حفظ امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای وارد عمل شود و حتی در شرایطی احتمال می‌رود این مداخله به بهانه مسائل قومی و حمایت از اقلیت‌ها نیز صورت گیرد. از این رو ایران نمی‌تواند از حضور گسترده ناتو در محیط پیرامونی خود غفلت نماید، به ویژه که روسیه همکاری‌های جدیدی را با ناتو آغاز کرده است.

از آن‌جا که پیوستن ایران به ناتو با توجه به اصول قانون اساسی و سیاست‌های خارجی ایران بعید به نظر می‌رسد، ایران باید در تعامل با ناتو، منافع خود را به شکل عقلایی ترسیم کند. این منافع را می‌توان در چارچوب تشنج‌زدایی با همسایگان و نیروهای داخلی تعریف کرد. برای نیل به این هدف ایران ناگزیر از اعتمادسازی^۱ و امنیت‌سازی^۲ است. این قبیل اقدامات می‌تواند به سیاست تشنج‌زدایی کمک کند و ضریب اعتماد و امنیت کشور را ارتقا ببخشد. ایران می‌تواند ضمن حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی و تقویت قدرت بازدارندگی، دامنه همکاری‌های منطقه‌ای خود را در زمینه امنیت توسعه دهد و حتی با ایجاد تعاملات اقتصادی کانون‌های بحران را مهار کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بیکاری، فقر، گرسنگی، بیماری، مسائل زیست محیطی، تروریسم، مواد مخدر، اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی، کمبود منابع استراتژیک، ناسیونالیسم افراطی، قومیت، ملیت، فرسایش حاکمیت، رشد حقوق مالکانه، شوک‌های ناشی از بین‌المللی شدن اقتصاد، فرهنگ و غیره، مشکلاتی غیرقابل پیش‌بینی در نظام بین‌الملل ایجاد کرده که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به بهانه مقابله با آنها، اصل دخالت در حاکمیت‌ها را نهادینه کرده است.^۳

1. confidence building

2. security building

۳. ابومحمد عسگرخانی، «سازمان ملل متحد: گذشته، حال، آینده»، مجله سیاست خارجی، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۷۸،

در گزارش حاضر پس از بررسی تاریخچه و ساختار ناتو، دلایل گسترش ناتو به شرق را با دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و رژیم امنیتی تجزیه و تحلیل کردیم. ثبات و امنیت بین‌المللی هدف اولیه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی است که در حال حاضر با منافع ملی ایالات متحده آمریکا نیز انطباق دارد، زیرا آمریکا با رهبری این سازمان در واقع رهبری امنیت و ثبات دنیا را در دست گرفته است. فرایند همکاری ناتو با روسیه در چارچوب شورای مشورتی ناتو - روسیه نشان می‌دهد که روسیه دیگر نه تنها به عنوان دشمن بلکه حتی به عنوان رقیب بلوک غرب نیز شناخته نمی‌شود. این کشور تمایل خود را به مشارکت با ناتو و حضور جدی در آن نشان داده است.

الحاق هفت عضو جدید در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲ به ناتو این سازمان را در پیشبرد لیبرالیسم به رهبری آمریکا در دنیا تقویت کرده است. در واقع ایالات متحده آمریکا توانسته است غیر از خود ۲۵ کشور دیگر را در مقابله با بحران‌های آینده بسیج کند. این بیست و پنج کشور می‌باید در کنار آمریکا هزینه‌های ناتو را پرداخت کنند. ولی این امریکاست که بیش‌ترین دستاوردهای این سازمان را به خود اختصاص خواهد داد.

با عنایت به آنچه مطرح شد جمهوری اسلامی ایران نه تنها نمی‌تواند در قبال گسترش ناتو و پیامدهای امنیتی آن در محیط امنیتی خود بی‌تفاوت بماند، بلکه باید هرچه سریع‌تر در پی اجرای تدابیری برای مدیریت بحرانی برآید که با شتاب در حال تکوین است. در این رهگذر می‌توان به لزوم تداوم و تعمیق سیاست تنش‌زدایی، اعتمادسازی، امنیت‌سازی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت قدرت بازدارندگی اشاره کرد.

منابع و مآخذ:

۱. عسگرخانی، ابومحمد؛ "سازمان ملل متحد: گذشته، حال، آینده"، مجله سیاست خارجی، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۷۸.
۲. عسگرخانی، ابومحمد؛ "نظریه رژیم‌های بین‌المللی"، مجله حقوقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۸۱.
۳. مرادی، مریم؛ "استمرار و تغییر در سیاست خارجی آمریکا"، مجله راهبرد، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۰.

4. Asgarkhani Abu Mohammad; "International Human Rights Regime: A Theoretical Approach to Regime Formation and Persistence", in *Islamic Views on Human Rights*, Tehran: AI – hoda, 2001.
5. Calleo, David; "Beyond American Hegemony", New York: Basic Booksinc, 1986 & www.Natoint/doeu/handbook 2001.
6. Claude, Inis;" Swords into Plowshares", Fourth Edition, New York: Random House,1986.
7. Danchev,Alen and Thomas Halverson; "International Perspectives on the Yugoslav Conflict", Oxford: St Antonys College Series,1996.
8. Kegley, Charles W.JR. Eugene. R. Witllcopff, "American Foreign Policy", *New York*: St. Martins Press, 1996.
9. McNamara, Roberts; "Out of the Cold", New York: Simon and Schuster, 1989.
10. "Nato Crimes in Jugoslavia vol Iandii Documentary Evidenece", Belgrad: 1999.
11. Nato Handbook at www.Nato Int/docu/handbook, 2001, 2002.
12. Nye,Joseph s. "Bound to Lead: The Changing Nature of American Power", New York: Basic Books, 1990.
13. "Sipri Peace Security and Conflict Prevention", Oxford: Oxford University Press, Nato Summit Declaration, 1998.
14. Trevor, Taylor; "Transatlanlicisim Versus Regional Consolidation", in *Security Strategy and the Global Economics of Defence Production*. David Haylund and S. Neil Macfarlane (eds.), Moutrea and Kingston: MC Gill – Queen's University Press, 1999.
15. Wallbank, T. Walter et al; "Civilization Past and Present", Chicago: Scott, Foresman and Company, 1962.